اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۷۵)

درمان بیماری (بخش ۲۲)

خون (۵)

تصوراتی که ما تابحال در جامعه خود در مورد نان حرام و نان حلال داشته ایم، بطور کلی این است:

نان حرام سر سفره غذایت نبر

گرچه این جمله و جملات مشابه همگی درست هستند، اما یک دید ده درصدی است. نان حرام از دید عامه مردم به این معناست که حاصل دزدی و کلاه برداری و قمار و یا خرید و فروش مشروبات الکلی و مخدرات باشد. گرچه این حرفها کاملا درست

است، ولی اصل قضیه نان حرام چیز دیگری است. وقتی از نان حرف می زنیم، منظور کل غذاهای دیگر هم هست. خدای رحمان در قرآن حکیم، دید دیگری از نان حرام به ما میدهد. خدا می فرماید که مردار، خون، گوشت خوک و هر آنچه که برای غیر خدا ذبح شده باشد بر شما حرام است. در این حالت اصلا مساله دزدی و یا کلاهبرداری در بدست آوردن اینها مطرح نیست؛ بلکه مردار و خون و گوشت خوک میتواند مال خودمان باشد ولی حرام باشد. اینها نان حرام نامیده میشوند زیرا خدا آن را صراحت با لفظ (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ = براستی چیزهایی که بر شما حرام است) **بیان فرموده است.**

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾

[خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوك و آنچه را كه [هنگام سر بريدن] نام غير خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانيده است [ولى] كسى كه [براى حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود در صورتى كه ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهى نيست زيرا خدا آمرزنده و مهربان است (۱۷۳)

نان حرام از دید وسیعتر و گسترده تر در این آیه مشخص شده است:

آیه فرموده که خون حرام است، یعنی خون نباید استفاده شود، یعنی ورود آن به دستگاه گوارش مشکلاتی را ایجاد میکند، یعنی ورود آن به دستگاه گوارش شما را وارد

گامهای دیگری میکند و مجبور به انجام امورات دیگر میکند و شما را در کار انجام شده قرار میدهد.

نان حرام و غذای حرام به بدن شما ضرر می رساند و پس برای بدن شما ممنوع است. پس نان حرام آن چیزی است که شما را دچار بیماری میکند و یا سیستم بدن ما را نامیزان میکند. زیرا ورودش به بدن ما ناجایز و ممنوع است.

و گرنه ممکن است کسی بگوید که من خون میخورم و ضررشم متحمل میشوم و به کسی هم ربطی ندارد. اینکه هر کسی اختیار زندگی خودش را دارد، شکی نیست و کسی هم نمیتواند در آن دخالت کند. وقتی خدا یک دستور می فرمایند، در واقع ما را نصیحت و موعظه میکنند و ما را به سمت آن ترغیب میکنند و گرنه خود خدا می فرماید که در دین هیچ اجباری نیست (لا اکراه فی الدین). دین همان استایل زندگی است که توسط خدای رحمان مشخص شده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است (۵۷)

ما داریم راجع به استایل غلط و استایل صحیح صحبت می کنیم. خدا به ما دارد در مورد استایل غلط هشدار میدهد. زیرا استایل غلط به سمت جهنم میرود و استایل

درست به سمت بهشت. یوم الدین یعنی روز دین. یعنی روز استایلها که هر کس بنا به استایلی که در این دنیا انتخاب کرده است، به سمت و سوی جهنم و یا بهشت می رود.

خوردن خون در ظاهر فواید زیادی دارد ولی در متون دینی، خوردن آن منع و حرام شده است. اگر از نظر پزشکی فواید خون بررسی شود، شاید فواید زیادی برای آن قائل شوند. حتی اگر متون دینی در این مورد نظرش را واضح نگفته بود، همین حالا ممکن بود که خون به عنوان یک ماده مفید تغذیه ای معرفی شده بود. همانطور که خیلی از قبائل باستانی، بی خبر از حرام بودن خون؛ خون را به غذای اصلی خویش تبدیل کردند.

اما خونی که مایع قرمز رنگ است و در رگهای ما جریان دارد، دیگر مناسبت مستقیمی با این موضوع ندارد و کاربردی ندارد. مساله مقداری پیچیده تر شده است. در زمان ما داروها و قرصها و مواد شیمیایی خوراکی و یا تزریقی موضوعیت پیدا کرده اند و اینها بشدت در زمان ما رایج هستند. اگر همین حالا به تمام کسانی که به حرمت خون اعتقاد دارند، بگویید که نقش داروهای شیمیایی مثل خون است و آنها را هم باید خون مانند بنامیم و حکمشان مثل خون است؛ بیشتر افراد عکس العمل نشان میدهند و آن را غیر ممکن و غیر قابل اجرا میدانند. آنها فورا می پرسند که یعنی مصرف داروها و آمپولها هم مثل خون است؟ این سوال آنان طبیعی است زیرا آنها در یک سیستمی هستند که به وفور و مثل نقل و نبات هر دارویی را میتوان خرید و مصرف کرد.

خواص خون:

- **دارای دوز بالایی از ویتامینها و مخصوصا آهن**
- **سهل الهضم بودن**
- **سهل الجذب بودن**
- **سریع الاثر بودن. به محض خوردن خون، تاثیر خودش را روی سیستم کالبد می گذارد**

هر کسی این فواید را ببیند، فورا تحت تاثیر قرار می گیرد. اما از یک طرف باید بدانیم که خون همانطور که سهل الهضم و سهل الجذب و پُر ویتامین است، از جهت برعکسش هم میتواند براحتی و به یکباره تمام توانایی های اولیه بدنی افراد را سلب کند و آن را سقوط دهد. همان چیزی که در بیماریهای خونی و دیابت و فشار خون اتفاق می افتد. یک ویروس در داخل خون، به سرعت تکثیر میشود و سریع تمام بدن را تحت تاثیر قرار میدهد و تقریبا فرد را فلج میکند. بنابراین همانطور که سهل الوصول است، سهل السرایت هم هست. یعنی سرعت انتقال بیماریها هم در آن زیاد است.

اما باید بدانیم که سیستم گوارش و بدن انسان برای غذاهای با این نوع خصوصیات ساخته نشده است و این نوع غذاها او را تنبل و بیمار میکنند. خدا نمی خواهد که ما هر چی خوردیم، فورا هضم و جذب شود و حاوی همه ویتامینها باشد. بلکه خدای حکیم میخواهد که ماده غذایی همراه با فیبر و یا سبوس، طی فرآیند جویدن، هضم

کردن، جذب کردن باشد. به این طریق ماده غذایی برای بدن مناسب است که در فرآیند زمانبر هضم و جذب، به آرامی جذب بدن شود. به این طریق خدای حکیم به خوردن ماده غذایی، صبر می بخشد. در قبیله بودی اتیوپی، مردان خون میخورند تا شکمهایشان گنده شود و زنان را جذب خود کنند. گاهی تا نیم متر شکمشان جلو میاید. این که چه سر و رازی در جذب شدن زنان آن قبیله به مردان شکم گنده است، هنوز مشخص نیست! واقعا باید حیطه ای تحقیقاتی در این زمینه گشوده شود تا بفهمیم که چرا زنان آن قبیله جذب مردان شکم گنده میشوند و آیا این در واقعیت جذابیتی دارد و یا اینکه همه اش فریب و تقلید و چشم و هم چشمی است. شکم گندگی چه نوع جذابیتی دارد؟ واقعا مسخره است. بعضی مواقع منطق بشر قابل فهم نیست. عشق هم چنین است. لیلی ظرف مجنون را میشکست، مجنون میگفت که این یعنی که عشق بین ماست! مفاهیم عشق مسخره و زشت و در عین حال بی منطق است. مثل حال حاضر که بعضی ها جذب اعضاء گنده (مثل لبهای گنده) میشوند و این سلیقه های مسخره، بوی تولد و رشد تمدنهایی بدوی جاهلی در دل تمدن به ظاهر پیشرفته بشری میدهد.

به این طریق یکی از عوارض خوردن خون، غیرعادی شدن سایز اندامهای بدن است. به این طریق نتیجه گرفته میشود که افراد با خوردن خون، زشت میشوند. قطعا خوردن داروهای شیمیایی بدون حالت اضطرار، آدمیان را زشت میکند. هر چیز دیگری هم که خواصش مثل خون باشد، کالبد آدمی را زشت و ناهمگون میکند.

تجربه ثابت کرده است که زنان و مردان با خوردن داروها و دوپینگها و مواد دیگر خون مانند، پایین تنه و بالاتنه آنان غیرعادی میشود و در نتیجه زشت میشوند.

نانی که با دزدی و گناه بدست آمده باشد، قطعا حرام است. اما اینها اینپوتهای روانی حرام هستند. ما از تاثیر جسمی این نوع اینپوت حرام بر روی جسم صحبت می کنیم. نانی که با گناه به‌دست آمده باشد، بیماری می‌آورد. نان گناه‌آلود هرگز انسان را سیر نمی‌کند. وقتی خدای رحمان به ملائک دستور فرمود که میخواهد برای زمین یک جانشین قرار دهد، ملائک گفتند که چرا کسی را می گماری که خونریزی میکند؟

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمیدانید (۳۰)

این آیه در مورد فقط کشتن نیست. بلکه در مورد فساد و خونریزی صحبت میکند. خونریزی همیشه مربوط به کشتن نیست، بلکه مربوط به مصرف بی رویه داروها و قرصها و آمپولها هم هست. کسی که کشته شود، لزوما به آن معنا نیست که خونش ریخته شده است، بلکه گاهی فرد کشته میشود بدون آنکه خونش ریخته شود. اگر منظور آیه فقط کشتن و قتل بود، قطعا خدای حکیم از کلمه قتل استفاده میکرد و نه ریختن خون (وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ**). خونریزی یک نوع استایل زندگی است. مردم برای**

پیشبرد زندگیشان، انواع مواد خون مانند مصرف میکنند و اینها نوعی ریختن خون است. بنابراین خونریزی مربوط به قتل نیست و بلکه یک سیستم و استایل زندگی است. در سیستم خونریزی، مردم در آن هیزم می ریزند و این سیستم هر روز فربه تر میشود. علم بشری دارو تولید کرده است ولی اینها باید فقط در حالت اضطرار مصرف شوند. اما کلیت جامعه به سمت این قضیه پیش می رود که مصرف داروها به یک استایل زندگی تبدیل شود. این نوع استایل زندگی، اشتباه اندر اشتباه است.

انسان باید با حریمهایی که خدا تعیین فرموده است، زندگی کند. در آیه ای که در مورد حرمت مشروب الکلی و قمار صحبت میکند؛ در ادامه از انفاق صحبت میکند. شاید از نظر خواننده ، ایجاد ربط بین این دو مشکل باشد. اما قطعا خدای قادر متعال بی هدف و بی منظور اینطوری نمی فرماید. در یک آیه، از خمر و میسر صحبت میکند و در همان آیه در ادامه از انفاق صحبت می فرماید. در این آیه دو بار عبارت يَسْأَلُونَكَ (از تو می پرسند) **ذکر شده است. یعنی پرسشی که بلافاصله پرسش همزادش را به دنبال دارد.**

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا
وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱۹﴾

درباره شراب و قمار از تو می پرسند بگو در آن دوگناهی بزرك و سودهایی برای مردم است و[لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است و از تو می پرسند چه چیزی انفاق کنند بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را این گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می گرداند باشد که بیندیشید (۲۱۹)

شراب و قمار منع شده اند و این آیه دقیقا بعد از قضیه شراب الکلی و قمار دارد از انفاق صحبت میکند. مشروب الکلی و قمار برای زندگی ها لازم نیستند. کسانی که قمار میکنند؛ حاضرند خانه شان را ببازند. ولی در دنیای غیرقمار، حاضر نیستند مبلغ ناچیزی به نیازمندان کمک کنند و سختشان میاید. کسانی که به مشروب الکلی معتادند، وقتی دسته جمعی مشروب میخورند، پیش هم خیلی سخاوتمند هستند و به همدیگر تعارف میکنند و لیوان به لیوان هم میزنند و دم از دوستی و رفاقت میزنند!؛ ولی بعد از اتمام خماری، تمام آن خاصیتها را از دست میدهند. آیه می خواهد برای ما این نکته را بیان دارد که در حالت مستی و خماری و قمار؛ حرفها و دوستیها و دست و دل بازیها واقعی نیستند و اینها همگی فیلم و نمایش است. عفو در آیه به معنای نیازمندیهای واقعی است. یعنی اگر راست می گوئید از نیازهای واقعی خودتان انفاق کنید، نه از مشروب الکلی. مشروب الکلی و قمار هیچکدام برای زندگی لازم نیستند و هر دو در زندگی اضافی و مضرند. اگر آدمی خیرات میکند، حداقل از چیزهای مفید خیرات کند و نه چیزهای مضر و غیر ضروری. اگر آدمی میخواهد به رفیقش چیزی مجانی بدهد، چرا باید مشروب الکلی بدهد؟ اینها هیچکدام عفو نیستند. عفو یعنی یک بخشش مفید و مجانی.

نیازمندیهای واقعی، فقط در نگهداشتن پیمانه ها به روش بسته بندی خدای رحمان امکان پذیر است. با تشریح یک مثال متوجه خواهیم شد که تمام مشکلات بشریت در نگه نداشتن پیمانه هاست. وقتی از نان حرام صحبت می کنیم، یعنی نانی که سبوس

و مواد مفید دیگرش گرفته شده باشد و در نتیجه زیاد خوردن از آن مشکلاتی را برای گوارش ما پیش خواهد آورد. در این حالت زیاده روی در خوردن نان بدون سبوس، خط قرمز است و به اصطلاح نان حرام گفته میشود. مفهوم این نان حرام با آن نان حرامی که در جامعه ما مرسوم است، کاملا فرق میکند. این یکی، زیاده روی در آن، شکستن حریمهاست و اما کم خوردن از آن مشکلی ندارد. ما در جامعه جدید، با اصول دینی جدیدی روبرو خواهیم بود که قبلا سابقه نداشته است. قبلا وقتی میگفتند نان حرام نباشد، همگی به این فکر می افتادیم که نان حاصل دزدی نباشد. اما حالا قضیه از بُعد دیگری مطرح است. وقتی میگوئیم نان حرام نباشد، یعنی نان را طوری مصرف و یا تولید کنیم که برای بدن ضرر نداشته باشد و بدن ما را دچار بیماری نکند.

برای مثال اگر سبوس گندم از آن گرفته شود، در خوردن آن زیاده روی میشود. کربوهیدارت بدون سبوس، سریع الجذب و سریع الهضم و سریع الوصول است. بنابراین در خوردن آن زیاده روی میشود. در این حالت، نان به یک ماده شبیه به خون تبدیل شده است. این مورد مشکلات دنباله دار دیگری با خود می آورد:

۱- آرد بدون سبوس، باعث زیاده خوری در آن میشود. اما آرد سبوس دار باعث مصرف معتدل آن خواهد شد. در قسمت آیه طالوت این مورد مورد بحث قرار گرفت.

۲- در حالت استفاده از آرد بدون سبوس، زمینهای قابل کشت گندم باید زیادتر بشود، زیرا با توجه به خاصیت سهل الهضم بودن و سهل الوصول بودن آن، زیاده روی در آن معمول است.

۳- مصرف آب برای زمین کشاورزی بالا می رود.

۴- گندم بدون سبوس، مشکلات گوارشی بوجود می آورد.

۵- در نتیجه بخش درمان تحت فشار قرار می گیرد.

۶- مصرف کودها و مواد مضر شیمیایی دیگر بیشتر میشود.

۷- مردم بیشتر به داروهای شیمیایی وابسته میشوند.

۸- و این سیکل باطل درست میشود.

میتوان هزاران ضرر دومینویی در این مورد ذکر کرد. با رعایت کردن یک دستور خدای متعال در مورد نگهداشتن پیمانه مصرف؛ از صدها ضررات بعدی دور نگه داشته خواهید شد. از آنجا که نان سفید بدون سبوس است، زود جذب بدن میشود و بمرور زمان اثرات متوالی زیر را روی بدن ما می گذارد.

افزایش سریع قند خون ← ترشح زیاد انسولین ← افت ناگهانی قند خون ← احساس گرسنگی زودهنگام ← پرخوری ← افزایش وزن ← مقاومت به انسولین ← دیابت نوع ۲ ← بیماری‌های قلبی و عروقی و....

اما مصرف کربوهیدراتهای فیبر دار دومینوی خوبی در بر دارد:

تنظیم قند خون ← احساس سیری طولانی‌تر ← کاهش پرخوری ← کنترل وزن ← بهبود سلامت گوارش ← کاهش التهاب ← افزایش انرژی پایدار ← بهبود خلق‌وخو و عملکرد ذهنی.

این تاثیرات دومینویی واقعی هستند. برداشتن سبوس گندم، ظاهرا یک خلاف کوچک است؛ اما همین تغییر کوچک در بسته بندی خدای رحمان، اثرات دومینویی وحشتناکی را روی جامعه می گذارد. طوریکه مصرف گندم یک کشور چند برابر میشود و این در سطح یک کشور، بسیار زیاد است و هدر دادن منابع آب و خاک و ... است.

قرآن، نانی که خدا آن را بر بنی اسرائیل نازل کرد، را مَنّ (الْمَنَّ) می نامد. خدای مهربان در این مورد می خواهند که ما این نوع نان (مَنّ) را الگوی خویش قرار دهیم.

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

و بر شما ابر را سايه گستر كرديم و بر شما گزانگبين و بلدرچين فرو فرستاديم [و گفتيم] از خوراكيهاى پاكيزه اى كه به شما روزى داده ايم بخوريد و[لى آنان] بر ما ستم نكردند بلكه بر خويشتن ستم روا مى داشتند (۵۷)

اما مردم آن موقع متاسفانه دنبال تنوع بودند و حاضر بودند، بخاطر ایجاد تنوع، کیفیت غذایی را فدا کنند. بعضی ها این نوع نان را گزانگبین می نامند ولی ممکن است دانه دیگری باشد. در هر حالت ماده مفیدی بوده است و آرد با کیفیتی از این دانه بدست می آمده است که نان حاصل از آن مفید بوده است.

یا تصور کنید که شبها مردم بجای اینکه ساعت نه و ده شب بخوابند، ساعت یک و یا دوازده شب بخوابند؛ در این صورت مشکلات زیر پیش خواهد آمد:

۱- **کسی که دیر بخوابد، خواب عمیق نخواهد داشت.**
۲- **بدن انسان در خواب عمیق، خود را ترمیم خواهد کرد و مشکلات جسمی خود را حل میکند.**
۳- **بنابراین کسی که دیر بخوابد، دچار بیماریهای زیادتری خواهد شد.**
۴- **اکثر افرادی که دیر می خوابند، معمولا برای کار و یا فعالیت و تلاش و کوشش نیست؛ بلکه برای فیلم نگاه کردن است.**
۵- **فیلمهای شبانه معمولا یک نوع مدیتیشن است. یا اینکه در مورد عشق و مسائل شیطانی دیگر است که آدمیان را در خیالات و توهمات فرو می برد.**
۶- **دهها ضرر دیگر که همگی سلامت روانی آدمیان را به خطر می اندازند.**
۷- **در نتیجه به قسمت درمان هر کشوری فشار می آید و هزینه های زیادی صرف دارو میشود.**

همانطور که می بینیم، بیشتر مشکلات اساسی جامعه ما از رعایت نکردن چندین دستور ساده ناشی میشوند. خدای مهربان دستور الکی صادر نمی فرمایند. دستوری که خدا میدهد، در ظاهر شاید ساده باشد، ولی بنیادی و پایه ای است؛ که اگر رعایت نشود، مشکلات دومینویی دیگری ایجاد خواهد شد.

حتی آدمی، اگر خلق و خوی مهربان و دلسوز و معتدلی داشته باشد، باعث ایجاد حس تعاون و همکاری خواهد شد و همین خودش، افراد جامعه را از تنهایی و افسردگی نجات خواهد داد. مردم به رفتارهای ریز خود توجهی ندارند و فقط میخواهند که کار خودشان راه بیفتد. تصور کنید که اگر اکثر افراد جامعه دلسوزی به خرج دهند و تصمیم به کاهش مصرف نایلونهای پلاستیکی بگیرند. کاهش مصرف پلاستیک، باعث اثرات دومینویی خوبی بر محیط زیست و روان جامعه خواهد شد. اما مصرف بی رویه نایلونهای پلاستیکی، مستقیما به سلامت کلی جامعه ضربه خواهد زد.

ورود ریزپلاستیک‌ها به رودخانه‌ها و دریاها ودشت و صحراها ← جذب توسط دامها و ماهی‌ها ← انتقال به زنجیره غذایی ← تجمع در بدن ← اختلال در عملکرد سلولی و هورمونی ← هزینه‌های درمانی بالا ← فشار بر نظام سلامت

ورود ریزپلاستیکها به خاک، باعث کاهش کیفیت خاک میشود و در نتیجه کیفیت محصولات پایین می یابد و دیگر اعتمادی به محصولات کشاورزی نخواهد ماند. پلاستیکی که انسان خودش به عنوان زباله دور می ریزد؛ بالاخره روزی به چرخه غذایی خودش (و یا فرزندانش) بر می گردد و نظام سلامت بدنی او را به هم می ریزد.

بعضی کارخانه ها آب و هوا را آلوده میکنند ولی خودشان میگویند شغل ایجاد کرده اند؛ البته به قیمت جان هزاران نفر دیگر. کشاورز سیب زمینی تولید میکند ولی آنقدر آب مصرف میکند که زیر زمین را خالی میکند. مثل این است که یکی داخل کشتی، جای خودش را سوراخ کند.

از این نوع انحرافها میتوان صدها مثال زد. خدای قادر متعال میخواهند که صبر و بردباری را وارد سیستم تغذیه و سایر روندهای زندگی ما کنند. زیرا تنها راه بازیابی سلامتی، همین روش است و لاغیر. خدای قادر متعال در چندین آیه قرآن از زیبایی صحبت میکنند. ولی جالب است که هر بار آن را با صبر مقارن میسازند (فَصَبْرٌ جَمِيلٌ). دو آیه قرآن کلمه جمیل (زیبایی) آمده است که در هر دو با صبر همراه شده است. این مورد اتفاقی نیست، حتما نکته مهمی را در بر دارد.

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

و پيراهنش را [آغشته] به خونى دروغين آوردند [يعقوب] گفت [نه] بلكه نفس شما كارى [بد] را براى شما آراسته است اينك صبرى نيكو [براى من بهتر است] و بر آنچه توصيف مى كنيد خدا يارى ده است (١٨)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾

[یعقوب] گفت [چنین نیست] بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است پس [صبر من] صبری نیکوست امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد که او دانای حکیم است (۸۳)

کلمه صبر همراه جمیل (زیبایی) آمده است. این نشان میدهد تنها راه بدست آوردن زیبایی، داشتن صبر است.

صبر در تغذیه،

صبر در درمان بیماری،

صبر در درس خواندن،

صبر در شغل و پیشه،

صبر در ازدواج،

صبر در تفریحات و سرگرمی،

صبر در ورزش،

صبر در حل مشکلات

و صبر در همه امور دیگر

خدای قادر متعال، نسخه و روند پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک را برای امتهای گذشته تجویز کرد. اما برای نسل ما، گفتار صبر را هم اضافه کرد. گفتار صبر یک امر دو طرفه است. یعنی هم صبر بکار بگیرید و هم صبر تولید کنید.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)

إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

که واقعا انسان دستخوش زیان است (٢)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

مگر کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای نیک کرده (کردار نیک) و همدیگر را به حق سفارش (گفتار نیک) و به شکیبایی توصیه کرده اند (**گفتار صبر**) (٣)

تمام این صبرها، با همدیگر آدمی را زیبا میکنند. استفاده از دارو و قرصهای شیمیایی بجز در حالت اضطرار یعنی عدم بکارگیری توانایی های اولیه و پایه ای بدنی و این یعنی عدم صبر. خوردن مواد خون مانند یعنی موادی که سریع الهضم، سریع الجذب و سریع الاثر هستند؛ مخالف ماهیت صبر هستند. اینها همگی دست به دست هم داده و انسانها را زشت میکنند. مشکل در اینجا، فقط زشت شدن نیست و بلکه غیر قابل تحمل شدن است. وقتی از زشتی صحبت میکنیم، قسمت کوچکی از آن مربوط به ظاهر است و بقیه مربوط به رفتار و کردار است. زشتیی که بوسیله عدم صبر بدست آید، ضررش به دیگران هم خواهد رسید و جامعه ای غیر قابل تحمل بدست خواهد آمد. در این جامعه ازدواج و سایر امور نیک به بن بست خواهد رسید.